



ویژگیهای حادثه عاشورا که آنرا ماندگار کرد

مظلومیت، خلوص و حقانیت امام است که امروز و در این ایام همه وجدانهای بیدار را به عزای خود کشانده...

مظلومیت، خلوص و حقانیت امام است که امروز و در این ایام همه وجدانهای بیدار را به عزای خود کشانده و دستهای آنان را روانه سینه ها کرده و حماسه هائی همچون عزاداران زنجان و اردبیل و یزد و ... را آفریده است حادثه عاشورا دارای ویژگیهایی است که باعث ماندگاری آن در طول قرون شده و گذشت زمان هرگز آن را کهنه نکرده و نخواهد کرد و سال به سال با شکوهی بیشتر و بهتر برگزار میشود که در این مقوله به آن می پردازیم:

1- حقانیت و خلوص امام حسین(ع) و یارانش

گرچه حقانیت امام و یارانش نیاز به استدلال ندارد و تاکنون هیچ انسان منصفی از مسلمان و غیر مسلمان حق طلبی امام را منکر نشده است و حتی غیر مسلمانانی مثل گاندی آنرا الگوی نهضت خودشان قرار داده اند در عین حال یک جمله امام (ع) را که در آغاز حرکت از مدینه به برادرشان محمد حنفیه بعنوان وصیت فرمودند و هدف قیام را روشن کردند نقل میکنم :

"من برای تفریح ، تفرّج ، استکبار ، فساد و ظلم خارج نمیشوم بلکه برای اصلاح امتّ جدم خارج میشوم و تصمیم دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم و سیره جدم رسول الله (ص) و پدرم علی (ع) را احیاء کنم"

فرمایشات امام در این زمینه فراوان است که نازی به نقل آن نبوده و برای پرهیز از اطاله از آن صرف نظر میکنم.

خلوص امام نیز اظهر من الشمس است زیرا امام از تقدیم جان خود و فرزندانش هیچ چشمداشتی نداشت و در هر شرائطی شاکر پروردگار بود و "الهی رضا برضاک" برزبان ایشان جاری بود و اگر ابراهیم آمادگی پیدا کرد فرزندش را در راه خدا ذبح کند امام 33 نفر از فرزندان خود و برادر زادگان و خواهر زادگان و فرزندان ابی طالب را تقدیم کرد و خودش نیز شهید شد .

وقتی امام در دل شب بیعت خود را از اصحاب برداشت و گفت هر کس مایل است به راه خود برود در جواب گفتند اگر هفتاد بار در راه تو کشته شویم و باز زنده شویم دست از یاریت بر نخواهیم داشت و با لب تشنه امام را یاری کردند.

2- مظلومیت امام و شهدای کربلا

مظلومیت امام و یارانش آنچنان بود که دل سنگ را آب میکرد و با زبان و قلم قابل توصیف نیست و حتی باور کردن بعضی امور برای برخی اشخاص در این زمینه نیز آسان نیست مثل خون گریه کردن سنگ و عزاداری ملائکه و گریه پیامبر هنگام تولد حسین و ... که همه حکایت از شدت مظلومیت امام دارد و به سادگی نمیشود آنرا باور کرد ولی باور کردنی است و تاریخهای معتبر آنرا نقل کرده اند و بیشتر از این به آن نمی پردازم ، این مظلومیت به دلائلی حاصل شد که به برخی از آن اشاره میکنم:

2/1: رابطه قاتل و مقتول

رابطه یاران امام (ع) و لشکریان یزید از دو منظر قابل بررسی است و هر دو منظر حکایت از مظلومیت امام و یارانش میکند:

الف: از جهت دینی و مذهبی

از این جهت کافی است توجه کنیم که لشکریان یزید مسلمان بودند یا حد اقل ادعای مسلمانی داشتند و وظیفه تبعیت از امام حسین (ع) بود زیرا حسین (ع) امام مسلمین بود و دعوت برخی از قاتلین امام نیز بر اساس همین اعتقاد صورت گرفته بود و روزهای آغازین ورود امام به کربلا نماز را با امام حسین (ع) اقامه کردند و گرنه انسانهای صالح و مخالف یزید در آن عصر فراوان بودند و در واقع کسانی به روی امام شمشیر کشیدند که باید در رکاب ایشان با دشمنان اسلام می جنگیدند.

این نکته اوج مظلومیت است که انسان به روی کسی که جانش را بر طبق اخلاص گذاشته و می خواهد او را از آتش دوزخ نجات داده و به سبیل حق هدایت کند شمشیر بکشد و در جلوی چشمانش خون عزیز ترین و بی دفاع ترین کسانش را بریزد.

مظلویت از نظر اخلاقی و انسانی نیز آشکار و دلیل آن جنگ با میهمان است که از صدها کیلومتر او را دعوت کرده اند و نه تنها در تمام مرامها و مکتبها کشتن میهمان ناپسند است بلکه دفاع از میهمان واجب عقلی و انسانی است و کمتر کسی پیدا میشود که میهمانش را حتی به دام دشمنش بیندازد چه رسد به اینکه خود به روی او شمشیر بکشد و همین اخلاق انسانی باعث شد مسلم بن عقیل دست از کشتن ابن زیاد بر دارد که اگر او را در خانه ی هانی که میهمان بود می کشت سرنوشت کربلا به گونه ای دیگر رقم میخورد اما مسلم جوانمردی کرد و شمشیر به روی میهمان نکشید ولی برخی از دعوت کنندگان امام

که "طبق نقل شیخ مفید نامه‌هایی کوفیان به امام حسین & 171#ع» در مکه که او را دعوت به آمدن کرده بودند 12000 نامه بودو بیعت کنندگان با مسلم بن عقیل در کوفه 18000 نفر، یا 25000 نفر و یا 40000 نفر گرفته شده است"، شرم نکردند و شمشیر به روی میهمان کشیدند که تمام انسانها در طول تاریخ آنان را لعن میکنند و این قصه نیز اوج مظلومیت است .

2/2: ترکیب و چینش اصحاب امام

سپاه کوفه 33 هزار نفر بودند که به جنگ امام حسین آمدند. آنچه در نوبت اول آمد تعداد 22 هزار نفر بودند به این صورت: عمر سعد با 6000، سنان با 4000، عروۀ بن قیس با 4000، شمر با 4000، شبت بن ربیع با 4000. آنچه بعدا اضافه شدند: یزید بن رکاب کلبی با 2000، حصین بن نمیر با 4000، مازنی با 3000، نصر مازنی با 2000 نفر.

اما در برابر اینها کاروانی کوچک از مدینه به مکه و از آنجا به کوفه آمده بودند که عددشان هیچگاه به 200 نفر نرسید و 138 نفر از آنان که علاوه بر وابستگی نسبی و سببی به امام افراد جوان، پیر، کودک، زن، مرد، آزاد، غلام و... در آن بودند به شهادت رسیدند و آنان که زنده بودند نیز به اسارت گرفته شدند که نگاهی به آمار کربلا بخوبی حکایت از ترکیب و مظلومیت لشکر امام دارد.

شهدای اولاد ابی طالب که در زیارت ناحیه آمده است 17 نفر و شهدائی که نامشان نیامده 13 نفر. سه نفر هم کودک از بنی هاشم شهید شدند، جمعا 33 نفر. این افراد به این صورت اند:

امام حسین & 171#ع» 1 نفر، اولاد امام حسین 3 نفر، اولاد علی & 171#ع» 9 نفر، اولاد امام حسن 4 نفر، اولاد عقیل 12 نفر، اولاد جعفر 4 نفر. غیر از امام حسین & 171#ع» و بنی هاشم، شهدایی که نامشان در زیارت ناحیه مقدسه و منابع دیگر آمده 82 نفر و آنان، نامشان در منابع متاخرتر آمده است 29 نفر است.

بقیه شهدا یاران امام بودند که عددشان به 105 نفر میرسد و ویژگیهای زیر در شهدا دیده میشود:

2/3: شرائط ویژه حاکم بر عاشورا و شهادت یاران امام

روز عاشورا به گونه ای با این لشکر اندک بر خورد شد که دل هر بیننده و شنونده ای را به درد می آورد و نهایت مظلومیت برای امام (ع) و یارانش از شدت ظلم قاتلین حضرت پدیدار شد که به برخی از آنچه مورخین از رفتار قاتلین با امام و اصحابش علیهم السلام انجام دادند یا آنچه امام نسبت شهدا داشتند اشاره میکنم .:

امام روز عاشورا برای 10 نفر مرثیه خواند و در شهادتشان سخنانی فرمود و آنانرا دعا، یا دشمنان آنانرا نفرین کرد که عبارتند از: علی اکبر، عباس، قاسم، عبد الله بن حسن، عبد الله طفل شیر خوار، مسلم بن عوسجه، حبیب بن مظاهر، حر بن یزید ریاحی، زهیر بن قین و جون.

امام بر بالین 7 نفر از شهدا پیاده رفت: مسلم بن عوسجه، حر، واضح رومی، جون، عباس، علی اکبر، قاسم.

حسین (ع) در شهادت دو نفر بر آنان درود و رحمت فرستاد: مسلم و هانی. امام حسین & 171#ع»

سر 3 شهید را روز عاشورا به جانب امام حسین & 171#ع» انداختند: عبد الله بن عمیر کلبی، عمرو بن جناده، عابس بن ابی شیب

شاکری.

سه نفر را روز عاشورا قطعه قطعه کردند: علی اکبر، عباس، عبد الرحمن بن عمیر.

مادران 9 نفر از شهدای کربلا در روز عاشورا حضور داشتند و شاهد شهادت پسر بودند: عبد الله بن حسین که مادرش رباب بود، عون بن

عبد الله جعفر، مادرش زینب، قاسم بن حسن مادرش رمله، عبد الله بن حسن مادرش بنت شلیل جلیله، عبد الله بن مسلم مادرش رقیه دختر علی(ع)؛#171، محمد بن ابی سعید بن عقیل، عمرو بن جناده، عبد الله بن وهب کلبی مادرش ام وهب، علی اکبر(بنا به نقلی مادرش لیلی، که ثابت نیست).

کودکان نابالغ که نابالغ در کربلا 5 نفر بودند: عبد الله رضیع شیر خوار امام حسین، عبد الله بن حسن، محمد بن ابی سعید بن عقیل، قاسم بن حسن، عمرو بن جناده انصاری.

صحابه شهید: 5 نفر از شهدای کربلا، از اصحاب رسول خدا بودند: انس بن حرث کاهلی، حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه، هانی بن عروه، عبد الله بن بقطر عمیری.

غلامان شهید در رکاب کربلا - تعداد 15 غلام شهید شدند: نصر و سعد (از غلامان علی(ع)؛#171)، منج (غلام امام مجتبی(ع)؛#171)، اسلم و قارب (غلامان امام حسین(ع)؛#171)، حرث غلام حمزه، جون غلام ابوذر، رافع غلام مسلم ازدی، سعد غلام عمر صیداوی، سالم غلام بنی المدینه، سالم غلام عبدی، شوذب غلام شاکر، شیب غلام حرث جابری، واضح غلام حرث سلمانی. این 14 نفر در کربلا شهید شدند. سلمان غلام امام حسین(ع)؛#171، که آن حضرت او را به بصره فرستاد و آنجا شهید شد. 2 نفر از یاران امام حسین(ع)؛#171، روز عاشورا اسیر و شهید شدند: سوار بن منعم و موقع بن ثمامه صیداوی.

در حضور پدر: 7 نفر در حضور پدرشان شهید شدند: علی اکبر، عبد الله بن حسین، عمرو بن جناده، عبد الله بن یزید، عبید الله بن یزید، مجمع بن عائذ، عبد الرحمن بن مسعود.

زنان معترض: 5 نفر از زنان از خیام حسینی به طرف دشمن بیرون آمده و حمله یا اعتراض کردند: کنیز مسلم بن عوسجه، ام وهب زن عبد الله کلبی، مادر عبد الله کلبی، زینب کبری، مادر عمرو بن جناده.

زن شهید: زنی که در کربلا شهید شد مادر وهب (همسر عبد الله بن عمیر کلبی) بود. زنانی که در کربلا بودند: زینب، ام کلثوم، فاطمه، صفیه، رقیه، ام هانی (این 6 نفر از اولاد امیر المؤمنین بودند) فاطمه و سکینه (دختران سید الشهداء) رباب، عاتکه، مادر محسن بن حسن، دختر مسلم بن عقیل، فضه نوبیه، کنیز خاص حسین، مادر وهب بن عبد الله.

اسب تازان بر بدن امام حسین و در پایان پیکار هم 10 نفر از خدا بیخبران اسبها را نعل زدند و بر بدن امام (ع) اسب تاختند و بر این جنایت خود از ابن زیاد پاداش مطالبه کردند.

آنچه دیدید بخشی از جنایات آل یزید بر شهدای کربلا بود که مظلومیت آنان را تا سرحد امکان افزایش داد که دل هر انسانی بر آن می لرزد و چشمش بر آن گریه میکند.

و البته داستان مظلومیت امام به همینجا پایان نمی یابد ولی سخن حقیر به پایان میرسد و این مظلومیت و حقانیت امام است که امروز و در این ایام همه وجدانهای بیدار را به عزای خود کشانده و دستهای آنان را روانه سینه ها کرده و حماسه هائی همچون عزاداران زنجان و اردبیل و یزد و ... را آفریده است و ... که امیدوارم خدا از همگان بپذیرد و آنان را در زمره عزاداران و گریه کنندگان حسینی قرار دهد. التماس دعا